

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

تبیین نظریه ی «نظام احسن» با استفاده از اصل «تطابق عوالم» در

حکمت متعالیه

نرجس رودگرا^۱

چکیده :

نظریه ی نظام احسن بیانگر این است که این عالم ، کامل ترین و نیکوترین حالت ممکن برای این مرتبه از عوالم وجود است . این نظریه به دلیل ریشه های دینی و قرآنی ، مورد اتفاق متکلمان و فیلسوفان مسلمان است . در نتیجه ادله ی متعددی براین بحث ارائه شده است . حکمای مشاء ، نظام احسن را باتمسک به علم عنایی باری تعالی اثبات کرده اند . ترسیم مشاء در مورد علم حق تعالی از برخی جهات مورد خدشه ی فیلسوفان قرار گرفت . ملاصدرا تقریر جدیدی از عنایت بر اساس اصل «تطابق عوالم» ارائه داد . علاوه بر آن روح حاکم بر بسیاری از براهین ملاصدرا بر نظام احسن ، اصل «تطابق عوالم» است . این اصل بیانگر آن است که عوالم چهارگانه ی وجود ، به دلیل صرافت ، بساطت و تشکیک وجود و همچنین به دلیل عین الربط بودن در عین غیریت ، به نوعی عین یکدیگر و به وبه تعبیر دیگر مطابق بر یکدیگرند . وجودات عالم پایین رقیقه و تنزل یافته ی عالم بالاینند و در عوالم بالابه نحو اعلی و اشرف حضور داند . اگر عوالم مادون تنزل یافته و رقیقه ی حقیقت عوالم بالاست ؛ بنابراین همچون اصل خویش ، سراسر خیر و حسن است . بدین ترتیب تطابق عوالم بهترین توجیه وجودشناختی را برای نظریه نظام احسن در حکمت متعالیه فراهم می آورد .

^۱ . دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو هیأت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی جامعه المصطفی العالمیه .

واژگان کلیدی :

نظام احسن ، عنایت ، تطابق عوالم ، حکمت متعالیه .

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم؛ آسمان، دریاها، کوه‌ها، جنگل‌ها و کویرها، نعماتی که از آن‌ها بهره مند هستیم، حوادثی که از سر می‌گذرانیم؛ خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، لذت‌ها و دردها و بیماری‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، فقر و ثروت، حقایقی که تجربه می‌کنیم؛ آرامش ناشی از عدالت و رنج ناشی از ظلم و تمام واقعیت‌های شیرین و تلخ که جهان پیرامون ما را می‌سازد؛ بهترین، زیباترین و صحیح‌ترین شکل ممکن برای این دنیا است که بهتر از این دیگر امکان نداشت. این توضیح، توصیف واضحی است از نظریه‌ای فلسفی، معروف به «نظام احسن».

شاید به دلیل گره خوردن این بحث با معارف توحیدی و دینی است که تمام فلاسفه و متکلمان مسلمان، قائل به نظام احسن می‌باشند. این بحث در فلسفه‌ی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و غالباً ذیل سرفصل‌های «عنایت»، «علم الهی»، «مباحث خیر و شر» و همچنین «غایتمندی افعال الهی» بدان پرداخته شده است.

پیروان حکمت مشاء، علم عنایای حق تعالی را مصدر نظام احسن دانسته‌اند. شیخ اشراق رأی مشاء در علم عنایای را مقدوح دانست اما نظریه‌ی نظام احسن را به گونه‌ای دیگر اثبات نمود. لیکن ملاصدرا عنایت مطرح نزد مشاء را باتنقیح و تکمیل پذیرفت و به تعبیر دیگر، با

اصلاحاتی آن را در نظام حکمت متعالیه با حاکمیت اصول اساسی اصالت و تشکیک وجود جای داد. تقریر جدیدی که وی از عنایت ارائه می کند و نظریه نظام احسن را طبق آن اثبات می نماید؛ مبتنی بر اصل «تطابق عوالم» است. همچنین ملاصدرا ادله ی متعددی را بر اثبات نظریه ی نظام احسن، مطرح کرده است. از مهمترین اصول حاکم بر این ادله، اصل «تطابق عوالم» است.

نظریه ی تطابق عوالم، یکی از نظریات حکمت متعالیه است که از دست مایه های عرفانی اقتباس و به بیان عقلی و برهانی تقریر گشته است. این بحث به دلیل ابتناء بر اصولی چون اصالت و تشکیک در وجود و تشکیک در مظاهر وجود، در صحنه ی فلسفه ی مشاء غایب است. اهمیت این اصل در نظام حکمت صدرایی از این جهت است که اولاً این اصل مبتنی بر اصول شاخص حکمت متعالیه است و ثانیاً این اصل در نظام حکمت صدرایی، حضور جدی و جایگاه درخوری دارد به طوری که ملاصدرا در تبیین، توضیح و اثبات بسیاری از نظریات فلسفی و حتی معارف و عقائد دینی از این اصل، بهره جسته است.

در این نوشتار چگونگی تبیین نظریه ی «نظام احسن» با استفاده از اصل «تطابق عوالم»، مورد بررسی قرار می گیرد. این هدف در چند گام پی گیری می شود:

۱. تعریف تطابق عوالم
۲. اثبات تطابق عوالم
۳. تعریف نظام احسن
۴. اثبات نظام احسن با استفاده از اصل تطابق عوالم

۱. تعریف تطابق عوالم

۱،۱. عوالم از نظر ملاصدرا

«عالم» اسم است برای چیزی که به وسیله ی آن می توان به موجود دیگر پی برد و غالب استعمال آن «ما يعلم به

الصانع» است. یعنی آنچه از آن می‌توان به صانع پی برد. بنابراین می‌توان «عالم» را بر تمام ممکنات موجود و تک تک آنها اطلاق کرد. (دوانی ، ۱۴۱۱ ، ص ۱۸۶)

بنابر نظریه‌ی تشکیک وجود ، هستی متدرج و دارای مراتب است . در اصطلاح فلسفی، عالم به موجود یا موجوداتی اطلاق می‌شود که مرتبه‌ی خاصی از وجود را به خود اختصاص دهد. از آنجا که مراتب وجود بی نهایتند؛ می‌توان گفت بی نهایت عالم وجود دارد. لیکن به جهت تسهیل در تصور و تعلیم ، به هریک از مراتب وجودی که نظام خاصی بر آن حاکم است و به دلیل این نظام خاص، تحت نام واحدی می‌گنجد ، « عالم » گفته می‌شود. (مطهری ، ۱۳۷۴ ، ج ۶ ، ص ۱۰۵)

تعداد عوالم در کلمات ملاصدرا مختلف است. دریک نگاه، او عوالم را علی رغم کثرتشان منحصر در دو قسم می‌داند: ۱. عالم خلق؛ که از آن به دنیا تعبیر می‌شود و با حواس پنج گانه‌ی ظاهر، درک می‌شود. ۲. عالم امر که همان آخرت است و با حواس پنج گانه‌ی باطن یعنی نفس و قلب و عقل و روح و سر درک می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۰۴)

وجه دیگر تقسیم بندی عوالم در بیان ملاصدرا، ناظر به مراتب ادراک است. از آنجا که مشاعر ادراکی در حس و تخیل و تعقل منحصرند و عالمی متناظر با هر یک از آنها وجود دارد ؛ لذا عوالم، سه گانه‌اند: ۱. جسم و عوارض ، ۲. نفس و عوارض و ۳. عقل و معقولاتش . (همو ، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية ، ص ۲۲۶)

حاصل جمع نظرات ملاصدرا در مورد عوالم از این قرار است :

۱. در صدر مراتب هستی ، لاهوت یا عالم اله است که عالم اسماء و صفات الهی و اعیان ثابته است . (پارسا ، ۱۳۶۶ ، ص ۴۰) (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸، ص: ۶۷۱. امام خمینی، ۱۳۷۶، ص: ۷۰)

۲. بالاترین مرتبه ی ممکنات ، جبروت یا عالم عقل است که صادر اول است .

۳. پس از آن ملکوت یا عالم مثال یا درجه ی خیال می باشد که عالم صور مقداری غیر مادی است . در بین فلاسفه اولین کسی که وجود این عالم را در ترتیب نظام هستی جای داد ؛ شیخ اشراق بوده است . (ر.ک جامی ، ۱۳۷۵ ، صص ۵۲ و ۵۳ . قیصری ، ۱۳۷۵ ، ص ۹۸ . و ر. ک سهروردی ، ۱۳۷۵ ، ج ۲ ، ص: ۲۴۱- ۲۳۰) در گام بعد ، ملاصدرا با اقامه ی برهان بر بیانات شیخ اشراق و همچنین اثبات عالم مثال متصل علاوه بر عالم مثال منفصل این مسأله را بسط و گسترش داد . (ملاصدرا ، ۱۳۵۴ ، ص: ۴۳۷ و همو ، ۱۹۸۱ ، ج ۳ ، ص: ۵۰۶ و آشتیانی ، ۱۳۸۱ . ص ۴۵۱ . و سبزواری ، ۱۳۷۹ ، ج ۳ ، صص : ۷۳۱ و ۷۳۲ .)

۴. نازل ترین مرتبه ی عالم هستی ، عالم ناسوت یا عالم ماده است که جوهر ماده یا هیولی را در خود دارد که تمام هویتش را استعداد تشکیل می دهد و قابل فعلیت صورت است . (ملاصدرا ، ۱۳۶۳ ، صص ۱۱۰ و ۱۰۹ . همو ، ۱۹۸۱ ، ج ۶ ، ص ۱۵۵)
بدین ترتیب ملاصدرا عوالم چهارگانه ی مذکور را در هستی تعریف می نماید.

۱،۲. مفهوم تطابق عوالم

عوالم هستی از دیدگاه ملاصدرا از هم متباین، جدا و بی ارتباط نیستند ؛ بلکه نوعی ارتباط و پیوستگی جدی، بین عوالم وجود برقرار است. واژگان کلیدی ای که این ارتباط را بیان می کند «تطابق عوالم» است. (ملاصدرا ، ۱۳۶۳ ، ص: ۸۸)

تطابق یا مطابقت ، به نوعی این همانی ، مناسبت و مشاکلت بین دو شیء یا بیشتر از آن گفته می شود .
بنابراین « تطابق » دو عنصر عینیت و غیریت را به طور هم زمان در دل خود دارد . دو شیء متطابق ، از حیثیت های متعددی عین همد و در نتیجه مطابق بر یکدیگرند ؛

اما از سوی دیگر جهاتی از افتراق ، باعث دوئیت و مغایرت آن ها شده است .

ملاصدرا معتقد است ؛ خداوند سبحان هیچ موجودی را در دنیا خلق نکرده است مگر آن که آن موجود ، نظیری در عالم عقبی دارد چنانکه آن موجود ، نظیری نیز در عالم آخرت و نظیری در عالم اسماء و همچنین نظیری در عالم حق و غیب الغیوب دارد و این حقیقت تطابق عوالم است . (همو اسرارالآیات ، ۱۳۶۰ ، ص: ۸۸ و همو ، ۱۹۸۱ ، ص ۲۴۴)

به عبارت دیگر تطابق عوالم به این معناست که حقیقت واحد وجود ، دارای مراتب و و نشئات متعددی است که مراتب و نشئات پایین تر رقیقه و تضعیف شده و صورت ناقص مراتب بالاینند و مراتب بالا ، صورت شدید و کامل و حقیقت صور مادونند . در نتیجه عوالم وجود گرچه به شدت و ضعف و کمال و نقصان متغایرنند ؛ اما همگی عین یک حقیقتند . (همان ، ج ۴ ، ص : ۱۵۷) هر چه در عوالم پایین است در عوالم بالاتر به نحو کامل تر وجود دارد و موجودات عوالم پایین، مثال و شبیحی از موجودات عالم بالاینند. (همو ، ۱۳۶۳ ، ص ۸۸) موجودات عالم پایین، مظاهر و منازل موجودات عالم بالاینند. (همو ، ۱۳۵۴ ، ص ۴۴۲ و ۴۹۵)

۲. اثبات تطابق عوالم

اصول شاخص حکمت متعالیه تبیین گر اصل « تطابق عوالم » می باشند . « صرافت و بساطت وجود » ، « تشکیک وجود » و « وجود رابط معلول » مهمترین این اصول می باشد .

۲.۱. صرافت وجود

صرافت و بساطت وجود ، دو خصوصیت تعیین کننده ی وجود است که در نظام هستی شناختی فلسفی نقش بارزی ایفا می کند .

قاعده‌ی «صرف الشئ لامیز فیه و لا یتکرر» بدین معناست که اگرشئی در مقام ذات و صرف حقیقت، قابل امتیاز و تعدد باشد؛ مستلزم خلف خواهد بود. چون هر گونه تعدد و امتیاز از عاملی ناشی شده است و وجود آن عامل مستلزم آن است که ماهیت را عاری از هر شئی جز ذات آن فرض نکرده باشیم. (دینانی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۵۴)

سهروردی این قاعده را در «وجود» به کار برد و صرف هستی را غیر قابل تکرار و تعدد دانست. همچنین وی از این قاعده در اثبات وحدت واجب الوجود استفاده نمود. (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص: ۳۵)

ملاصدرا از این قاعده در موارد متعدد استفاده کرده است که یکی از این موارد در اثبات تطابق عوالم است:

۱. حقیقت وجود صرف است؛ چرا که چیزی جز وجود نیست که بخواهد ضمیمه و عارض و خلیط وجود گردد. (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۵۵)

۲. حقیقت وجود که صرف است؛ واجب است چرا که اگر واجب نباشد معروض است و معروض، صرف نیست. (همو، ۱۳۵۴، ص: ۵۴)

۳. وجود صرف واجب، واحد است؛ چرا که هرگونه تعددی مستلزم خلیط و ضمیمه در ذات واجب است که این امر با صرافت واجب ناسازگار است. (همان)

۴. وجود صرف واجب، بی نهایت است چرا که هرگونه حدی بر حقیقت وجود به ناچار باید از ناحیه‌ی امری غیر از وجود باشد که اولاً غیر از وجود، عدم است؛ ثانیاً تحدد و تعین به چیزی غیر از خودش با صرافت وجود ناسازگار است. (همو، ۱۳۶۳، ص: ۴۶)

۵. وجود صرف واجب بی نهایت، جامع تمام مراتب هستی و کمالات وجودی است؛ چرا که این مسأله اقتضای عدم تناهی اوست. (همو، ۱۴۲۲، ص: ۳۴۷)

۶. در نتیجه هیچ موطن وجودی دیگری که بتواند خارج از عالم اله وجود داشته باشد و مصداق بالذات موجودیت باشد؛ محقق نیست. در نتیجه وجود کثرات، عین وجود حق است نه وجودی مغایر با وجود حق.

۷. چنانکه گذشت که تطابق ، حاصل جمع نوعی عینیت و غیریت است .. بدین ترتیب تطابق عالم اله به جهت صرافتش با تمام عوالم خلقی اثبات می‌شود.

۲,۲. بساطت وجود

بسیط در اصطلاح فلسفه چیزی را گویند که جزئی نداشته باشد نه جزء عقلی و نه خارجی و بالجمله چیزی که هیچ نوع ترکیبی در آن راه نداشته باشد نه ترکیب علمی و نه وصفی و نه خارجی و نه ذهنی و نه عینی خارجی و نه مقداری. (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص: ۴۲۷).

تطابق عوالم با استفاده از بساطت وجود با چند مقدمه اثبات می‌گردد :

۱. وجود، حقیقتی بسیط است؛ چرا که ورای آن چیزی نیست که با آن ترکیب گردد. (طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، المرحلة الاولى، الفصل الثانی) در حقیقت، وجود مساوق بساطت است؛ زیرا وجود عین واقع و خارج است بنابراین تصورش در ذهن، محال و منجر به انقلاب است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ص: ۵۰ و ج ۲، ص ۸۹).

۲. واجب الوجود بسیط الحقیقه می‌باشد؛ چرا که عدم بساطت، به معنی ترکیب است و مرکب، مفتقر به اجزای خویش است و فقر، لازمه‌ی امکان. (اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۲)

۳. وجود بسیط، جامع کمالات و نه نقائص تمام وجودات است. (بسیط الحقیقه کل الاشياء و لیس بشئ منها)

در نتیجه واجب الوجود که حقیقتی بسیط است، تمام مراتب و کمالات وجودی را در خود دارد. بدین ترتیب نوعی عینیت در عین غیریت، بین واجب الوجود و سایر مراتب وجودی، برقرار است که تعبیر دیگر آن، «تطابق عوالم» می‌باشد.

قاعده ی بسیط الحقیقه کل الاشياء و لیس بشئ منها بیانگر این امر است که بسیط الحقیقه با وحدتش، همه‌ی موجودات است و هیچ صغیر و کبیری از وجود واجب، غایب

نیست و تنها اعدام و نقایصند که از وجود او خارجند.
(همو، ۱۳۶۳، ص: ۵۰)

مفاد این قاعده را می‌توان در دو جمله خلاصه نمود:

۱. بسیط الحقیقه، تمام اشیاء است.
۲. بسیط الحقیقه، هیچ یک از اشیاء نیست.

گرچه این برهان معمولاً در اثبات وحدت واجب الوجود استفاده می‌شود؛ اما آنچه ملاصدرا در ثمره‌ی این برهان بیان می‌کند « وحدت وجود » است. وقتی ثابت شد وجود واجب به جهت بساطتش کل وجود است؛ بنابراین غیر واجب، وجودی ندارد و تنها لمعات و رشحات وجود واجب بالذات است. (همو، ۱۳۶۱، ص ۲۲۲. و همو، ۱۳۶۰، ص: ۳۶)

براین اساس عینیتی که بین واجب و کثرات، ثابت می‌شود؛ عینیتی عمیق تر است. زیرا تمام کثرات به وجود واجب موجودند و عین اوینند. مغایرت آن‌ها نیز؛ نه مغایرت بین دو وجود بلکه مغایرت بین شأن و ذی شأن است. بنابراین حاصل این قاعده، تطابق عوالم ظهور بر عالم اله می‌باشد.

۲،۳. تشکیک وجود

تشکیک در فلسفه به این معناست که مابیه الاشتراک و مابیه الامتیاز امور متکثر، یک نحوه حقیقت باشد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص: ۴۳۶، همو، ۱۴۲۲، ص: ۳۵۷) صدرالمتألهین براساس اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، تشکیک در وجود را مطرح کرده است (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ص: ۳۰۷)

تشکیک در وجود حاصل این چند مقدمه است: ۱. موجوداتی هستند که تفاوتشان به شدت وضعف و کمال و نقص و در یک کلمه به تفاضل است. ۲. مابیه الاشتراک و مابیه التفاوت امور متفاضل، ضرورتاً حقیقتی واحد است. ۳. این مابیه الامتیاز، همان واقعیت خارجی فرداست؛ نتیجه اینکه از آنجا که در واقعیات متفاضل به حکم تفاضل

وتشکیک مابه التفاوت ومابه الاشتراک، امری واحد است وازسوی دیگر مابه الامتياز وجود اشياست پس مابه الاشتراک نیز خود وجود است در نتیجه تشکیک در وجود است. (ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص: ۱۳۶)

مفهوم تشکیک، سیر تاریخی‌ای را پشت سر گذارده است و به معانی متفاوتی استعمال شده است. تشکیک عامی، تشکیک خاصی یا تشکیک در مراتب وجود و تشکیک خاص الخاصی یا تشکیک در مظاهر وجود، عمده ترین انواع تشکیک است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰) (آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۴۹)

به طور کلی دو قول در مورد تشکیک در حکمت صدرایی وجود دارد:

۱. ملاصدرا قائل به تشکیک خاصی یا همان تشکیک در مراتب وجود است. این اسناد بدان جهت است که تشکیک خاصی، قولی است که ملاصدرا آن را در پی رد تشکیک عامی مطرح و اثبات می‌نماید. (همان)
۲. تشکیک در مراتب هستی، قدم تعلیمی و تنها پل و قنطره‌ای است که ملاصدرا برای عبور و وصول به تشکیک در مظاهر برداشته است.

قائلان قول دوم معتقدند قول نهایی صدرا در ملاحظه‌ی حقیقت وجود «وحدت شخصیه» می‌باشد. در وحدت شخصیه‌ی عرفانی، وجود بحت، همان وجود صرف مطلق از جمیع قیود حتی قید اطلاق، مبراست. (آشتیانی، ۱۳۷۸، صص ۵۱ - ۵۰)

برطبق این قول، تشکیک تنها در مظاهر و شؤون راه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۶) (آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۴)

اثبات تطابق عوالم بر اساس اصل تشکیک

مدعای تشکیک، نوعی عینیت در کثرات است. اگر نظریه‌ی نهایی ملاصدرا را تشکیک در ظهور بدانیم؛ مراتب وجود، جای خود را به مراتب ظهور می‌دهد و عوالم ظهور

به جای عوالم وجود می‌نشینند. تجلی و ظهور حق دارای مراتبی است که اختلاف و اشتراکشان هر دو در شدت و ضعف ظهور است. عالم مادون، تنزل یافته و رقیقه‌ی عالم ظهور مافوق است و در ظرف تجلی فوق خویش به نحو اعلی و اشرف موجود می‌باشد.

بنابراین طبق اصل تشکیک در ظهور «تطابق عوالم ظهور» ثابت می‌شود.

۲،۴ وجود رابط معلول

از دیگر اصول حکمت متعالیه که از مبانی تطابق عوالم به شمار می‌آید؛ تبیین کیفیت رابطه علت و معلول است که معروف به «وجود رابط معلول» است. این نظریه که بیانگر نوعی اتحاد و عینیت بین علت و معلول است؛ «تطابق عوالم» را اثبات می‌نماید.

علت در فلسفه به معنای ذاتی است که وجود معلول بدان مفتقر و متوقف است. (ملاصدرا، همو، ۱۹۸۱، ج ۲، ص: ۱۲۷) این وابستگی و افتقار در ذات معلول است و از آن جدایی پذیر نیست. در نتیجه معلول، وجودی للعله یا لغيره است. صدرالمتألهین گاه برای معلول، وجود فی نفسه قائل است ولی این وجود فی نفسه را عین ربط و تعلق به علت و همان ایجاد و فعل علت می‌داند؛ که به لحاظ خارج «ذات هو الربط» است و در تحلیل ذهن، از آن ماهیت انتزاع می‌شود. (همو، ۱۹۸۱، ج ۴، ص: ۲۳۲) لیکن گاه هر گونه وجود فی نفسه را از معلول نفی می‌کند و آن را صرفاً ربط و نسبت به علت می‌داند. او به خود می‌بالد که به مسأله‌ای دست یافته و آن را مبرهن نموده است که حکمای سلفش به آن نرسیده‌اند و در نتیجه از لوازم آن در بحث توحید، بی بهره ماندند. به نظر وی وجود ممکن را نمی‌توان به وجود به علاوه‌ی نسبت به باری، تحلیل کرد. بلکه ممکن، عین نسبت و ارتباط است. (همان، ج ۱ ص ۳۲۹ - ۳۳۱)

بررسی نشان می‌دهد قول اول صدرا رأی ابتدایی او است که به رأی نهایی اش ختم شد. در نهایت، معلول، همان

ایجاد و کار و فعالیت علت است؛ نه واقعیتی که در اثر کار و ایجاد و فعالیت علت، موجود است؛ ربط به علت است؛ نه مرتبط به آن و ایجاد علت است؛ نه موجود به ایجاد آن. (ر. ک عبودیت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۱ - ۲۲۰).

به بیان وی اینکه محال است معلول، وجودی جدای از علت داشته باشد؛ آخر الامر به این نتیجه ختم می‌شود که آنچه «علت» می‌نامیم، اصل و «معلول» شأنی از شؤن اوست و «علیت» به تطور و تفنن علت باز می‌گردد. (ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية، ص: ۵۱ و همو ۱۳۶۳، ص: ۵۴)

اثبات تطابق عوالم، بر اساس ارجاع علیت به تشآن

تعریف معلول، به عنوان وجود رابط یا به عبارت دقیق تر، ربط وجود، اشاره به نوعی وحدت و عینیت در علت و معلول است. با تدقیق در حقیقت علیت و ارجاع آن به تشآن و ظهور، این وحدت قوی تر و پررنگ تر می‌شود. به این شکل که منظور از واجب و ممکنات، وجودی واحد و تطورات و تجلیات اوست. بنابراین ممکنات به عین وجود علت موجودند. در عین حال، غیر اویند چرا که حیثیات، اطوار و شؤن اویند. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص: ۳۰۱ و همان ج ۱، ص: ۴۷)

حاصل این عینیت و غیریت، همان اصلی است که در بحث تطابق، مورد نظر است. بدین ترتیب به وسیله‌ی اصل وجود رابط معلول در حکمت متعالیه، تطابق عالم اله با سایر عوالم خلقی، اثبات می‌شود.

بنابراین در حکمت متعالیه با استفاده از اصول صرافت و بساطت و تشکیک وجود و وجود رابط معلول و ارجاع علیت به تشآن، اثبات می‌شود عوالم مادون رقیقه و تنزل یافته و رشحه ای از عوالم بالایند و در اصل وجود عین هم و تنها در شدت و قوت وجودی یا ظهوری متفاوتند که این عینیت در عین غیریت، همان «تطابق عوالم» می‌باشد.

۳. تعریف نظام احسن

نظام احسن به این معناست که جهان موجود ، به لحاظ تکوین برترین جهان ممکن است . این مسأله از دیر باز مورد دغدغه ی اندیشمندان بوده است . برخی مانند اپیکوریان در یونان باستان ، این نظریه را نپذیرفته اند . بعدها افرادی مانند هیوم ، ولتر ، شوپنهاور ، نیچه و راسل به مخالفان این نظریه پیوستند . در مقابل اغلب متکلمان مسیحی مانند آگوستین و آکوئیناس و فیلسوفانی چون اسپینوزا و لایبنیتز از مدافعان این نظریه بوده اند . (مایر ، ۱۳۷۴، ص ۳۵۴)

اعتقاد به احسن بودن نظام آفرینش ، مسأله ای نیست که هیچ یک از متکلمان و حکمای مسلمان آن را انکار کرده باشند . به نظر می رسد این وفاق ، ناشی از نشأت گرفتن این نظریه از آموزه های صریح قرآنی باشد . از جمله این آیات عبارتند از : «صنع الله الذی اتقن کل شیء خلقه» (نمل ، ۸۸) ، «احسن کل شیء خلقه ثم هدی» (سجده ، ۷) «تبارک الله احسن الخالقین» (مؤمنون ، ۱۴)

در احسن بودن این نظام به این نکته باید توجه داشت که منظور از احسن بودن ، نه غایت حسن و کمال به طور کلی بلکه حسن و کمال در حد ممکن برای مرتبه ی مفروض است . بدیهی است که غایت حسن در عالم ماده که نازل ترین مرتبه ی هستی است ، به مراتب متفاوت با حسن و کمال در عوالم بالاست و روشن است که منظور از احسن بودن این نظام ، برخورداری از کمال حسن متوقع از این مرتبه هستی با تمام محدودیت ها و احکام می باشد . چنانچه خواهیم دید اثبات نظام احسن با استفاده از تطابق عوالم این مهم را نیز در ضمن دارد چراکه عالم را به عنوان رقیقه ی عالم برین اثبات می نماید .

۴. اثبات نظام احسن

۴،۱. نظام احسن در حکمت مشاء

حکمای مشاء ، نظام احسن را با علم عنایای خداوند اثبات می‌کنند. منظور از عنایت احاطه‌ی علمی واجب به بهترین حالت وجود ممکنات، قبل از موجود شدنشان است که سبب ایجاد آنها به نحو احسن می‌شود؛ بدون این که این ایجاد، متفرع بر انگیزه‌ی زائد یا قصد فاعل باشد؛ بلکه این علم سبب فعل می‌شود و از این رو بدان علم فعلی گفته می‌شود. (ابن سینا ، ۱۳۷۵ ، ص: ۱۳۳) (طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۳، ص: ۳۱۹)

بنابراین سه رکن موجود در بحث عنایت عبارتند از :

۱. علم ذاتی خداوند به نظام خیر، ۲. سببیت او برای این نظام و ۳. رضایتش به این ایجاد. (ابن سینا ، ۱۴۱۴ ، ص: ۶۶۹) به عبارت دیگر؛ واجب الوجود به ذات خود علم دارد و به این سبب می‌داند که ذاتش در بردارنده‌ی تمام کمالات ممکنات است و قادر بر ایجاد ممکنات به بهترین شکل و زیباترین نظم است. همچنین او به ایجاد این نظام رضایت دارد؛ در نتیجه، صرف علم او بدون وجود انگیزه یا قصدی دیگر سبب فیضان این نظام می‌شود.

فارغ از تعریف عنایت، این سؤال که مشاء، علم پیشین الهی به موجودات را چگونه تصویر کرده اند؛ انتقادات زیادی را توسط فیلسوفان مسلمان در پی داشته است. مشاء، علم قبل از ایجاد خداوند را به واسطه‌ی صور علمیه مرتسم در ذات او می‌دانند. (بهمنیار، ۱۳۷۵ ، ص:

۵۷۴) (ابن سینا، ۱۴۰۴ ، ص: ۳۶۴ و همو، ، التعلیقات، ۱۴۰۴ ، ص

۲۸) این صور به این جهت که عارض بر ذات اویند صور الهی نامیده می‌شوند. (همو، المبدأ و المعاد، ج ۱، صص ۱۵۴ و ۱۵۵).

واژگان «عروض و ارتسام صور» در ذات الهی ، لبه‌ی تیغ انتقادات را متوجه این نظریه‌ی مشاء نمود. منتقدان

، این نظریه را مستلزم انفعال ذات الهی از غیر، ترکیب ذاتش از قوه و فعل و مستلزم نقص و امکان و منافی با وجوب و بساطت دانسته‌اند. (سهروردی، حکمة الاشراق، ص: ور. ک ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۲۲۱- ۱۹۱ و المبدأ والمعاد، ۱۳۵۴، ج ۱، صص ۱۶۵- ۱۵۷)

ملاصدرا زائد بودن صور مرتسمه بر ذات الهی و مستلزم انفعال و ترکیب و نقص بودن را در مورد ذات خدا نمی‌پذیرد؛ اما در عین حال باور ندارد که قول ابن سینا تالی فاسدهای مذکور را در پی داشته باشد. او معتقد است قول ابن سینا دارای ظرافت و لطافتی است که منتقدان متوجه منظور او نشده‌اند. او به عنوان شاهد بر مدعایش به سخن ابن سینا در تعلیقات اشاره می‌کند که می‌گوید وجود این صور عبارت از نفس تعقلشان توسط واجب است؛ یعنی وجودشان همان معقولیتشان است و معقولیت، عین ذات و وجودشان می‌باشد. همین مسأله نشان می‌دهد ابن سینا این صور را زائد بر ذات نمی‌داند. (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص: ۲۱۴) بنابراین به نظر ملاصدرا اشکالات مذکور ناشی از عدم تأمل آنان در کلمات ابن سینا و یا ضعف قدرت فلسفی آنان است. (همان، صص ۱۹۸ و ۱۹۹)

توضیحات بهمنیار در این باب نیز بسیار قابل توجه است. او تأکید می‌کند عروض این اعراض، به گونه‌ای نیست که سبب انفعال ذات واجب شود. دیگر اینکه ذات او در نهایت کمال است و به جهت همین کمال است که مصدر این صور می‌باشد. او با این توضیح درصدد است شائبه‌ی استکمال ذات واجب به وسیله‌ی این صور را رد کند. بنابراین این اعراض، نه سبب انفعال ذات باری‌اند و نه استکمال آن. (بهمنیار، التحصیل، النص، ص: ۵۷۴) البته ملاصدرا اشکالاتی را غیر از اشکالات دیگران بر قول مشاء وارد می‌داند. (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۱۶۸)

۴،۲. تعریف جدید ملاصدرا از «عنایت» طبق اصل «تطابق عوالم»

ملاصدرا طبق روش کلی خود مبنی بر جمع اقوال مکاتب مختلف فلسفی و عرفانی و حتی کلامی و یافتن نقطه‌ی مشترک برای آن‌ها و برقراری سازگاری بین اقوال به ظاهر

متخالف، در این بحث نیز با ورود و خروج دیگری بر بحث علم عنای، ضمن قبول اصل آن، تقریر تازه ای از عنایت الهی و به دنبالش تقریر تازه ای از بحث نظام احسن، در چهارچوب نظام حکمت متعالیه عرضه می‌کند.

وی عنایت را همان انکشاف ذات الهی برای خود می‌داند به گونه‌ای که سبب فیضان خیرات می‌شود. (ملاصدرا، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیة، ص: ۳۹) او توضیح می‌دهد ذات حق تعالی بسان آیینه‌ای است که صور تمام موجودات در آن هویداست. (همان، ص ۴۰) دلیل این امر در خصوصیت بساطت ذات واجب و به طور کلی مراتب عالیه نهفته است. موجود بسیط، واجد تمام کمالات مادون خویش و به بیان دیگر جامع تمام وجودات مادون خویش است. از این روست که وجودات عالیه مفاتیح الغیبه و یا خزائنی هستند که حقایق موجودات در سلسله مراتب وجودی از آنها تنزل یافته‌اند. (همو، ۱۳۶۰، النص، ص: ۴۷)

در کتاب شریف اسفار نیز پس از رد قول به صور علمیه زائد بر ذات الهی، می‌گوید ذات الهی به گونه‌ای است که موجودات عالم امکان و نظام آن که بر احسن نظام است برایش مکشوف است و همین انکشاف، سبب ایجاد آنان می‌شود. (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص: ۲۹۱) مرحوم سبزواری در تعلیقه، منظور او را علم ذاتی اجمالی در عین کشف تفصیلی دانسته است که علمی فعلی است و در حقیقت، همان عنایت است. یعنی عنایت همان علم سابق تفصیلی فعلی به نظام احسن است (همان، تعلیق سبزواری) (سبزواری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص: ۶۱۰)

نتیجه‌ی تفسیر عنایت به علم ذاتی تفصیلی فعلی، این است که نظام کونی که از نظام ربانی ناشی شده است؛ احسن و اجمل و اتم نظام در حد خود است چرا که ظل حقیقت جمیل علی الاطلاق است. (همان) به دیگر بیان، نظام کونی امکانی از آن جهت احسن است که تابع نظام اشرف واجبی حقی است. (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص: ۳۱۷) صور موجودات به نحو اعلی و اشرف در ذات حق موجودند و همین صور، علت وجود ممکنات است؛ (همان، ج ۷، ص ۵۷ و ص:

(۱۱۲) در نتیجه ممکنات که نسخه‌ی تنزل یافته صور الهی اند، موجود به احسن نظامند.

بدین ترتیب تعریف جدیدی که ملاصدرا از عنایت به دست می‌دهد؛ مبتنی بر رابطه‌ای است که در نظام صدراپی در مورد مراتب هستی، تعریف شده است که همان رابطه‌ی ظل و ذی ظل و یا همان تطابق عوالم است. (ملاصدرا، ۱۴۲۲، ص: ۳۹۵) ذات خداوند همان صور حقایق اشیا است البته به نحو اعلی و اشرف. بنابر این اشیا به نحو اعلی و اشرف در عالم ربانی وجود دارند. (همو، ۱۹۸۱، ج ۷، ص: ۵۷) عالم ربانی در نهایت حسن و کمال مرتبه‌ی خویش است. عالم کونی، مطابق و موافق عالم ربانی است. پس آن نیز مانند مطابق خویش، در نهایت حسن و کمال ممکن مرتبه‌ی خویش است. (همو، ۱۳۰۲، ص: ۱۶۴)

۴،۳. استدلال ملاصدرا بر نظام احسن با استفاده از اصل تطابق عوالم

فارغ از حاکمیت بحث تطابق عوالم بر تعریف ملاصدرا از عنایت، وی در استدلالاتی که بر نظام احسن داشته است نیز به طور جدی از اصول مطوی در تطابق عوالم بهره برده است. برای بررسی این مطلب، به مرور براهین وی بر نظام احسن می‌پردازیم و در ضمن به ادله‌ای که مبتنی بر تطابق عوالم است توجه می‌دهیم.

استدلال اول: ایجاد عالمی احسن و اتم و اکمل از این

عالم، ممکن نیست چرا که اگر ممکن بود و واجب بدان علم نداشت؛ با علم مطلق او منافات دارد و اگر علم داشت و با وجود قدرت بر آن، ایجادش ننمود؛ این امر منافی با جود کمال مطلق است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص: ۹۱)

استدلال دوم: م ۱. باری تعالی غیر متناهی القوه و تام

الجود و الفیض است. م ۲. هرچه ماده نداشته باشد و احتیاج به استعداد خاص نداشته باشد و مضاد و مانعی هم نداشته باشد؛ به مجرد امکان ذاتش به وجه ابداع از حق تعالی فیضان می‌یابد. م ۳. مجموع عالم، ماهیت واحده‌ای

دارد و صورت نوعیهی واحدی دارد که ماده ندارد. م ۴. هرچه ماده ندارد نوع منحصر به فرد است. نتیجهی مقدمات این است که مجموع عالم، وجود واحدی است که به صورت ابداعی از ذات پروردگار صادر شده است؛ بنابراین بدیل افضل چه در نوع و چه در شخص نخواهد داشت. (همان)

استدلال سوم: م ۱. واجب الوجود، خالق عالم، بری از

انحاء نقص و از هر جهت واجب است. م ۲. هرچه چنین است، فعلش از حاق ذات و صمیم هویتش صادر می‌شود؛ بدون این که انگیزه‌ی زائد یا غرضی بر فعل داشته باشد. برای او ایجاد خلق، سبب کرامت و بهجت و لذت و ستایش و تخلص او از مذمت نمی‌شود؛ چرا که او غنی بالذات است. بنابراین فاعلیتش عین ذاتش است. م ۳. فعل چنین فاعلی که فاعلیتش عین ذاتش است و فعلش از اصل حقیقتش ناشی می‌شود؛ باید اشرف ممکنات مفروض و اجل مجعولات متصور باشد.

استدلال چهارم: م ۱. ذات واجب، به بهترین وجه اعلم به

ماسواست؛ زیرا صورت علمیهی اشیاء، عین ذات اوست. م ۲. بدین ترتیب، اشیاء قبل از وجود کونی، وجود علمی الهی داشتند. م ۳. هر وجود الهی، ضرورتاً در نهایت حسن و بهاء است. پس آنگاه که مثال آن صور علمیه در عالم کون، محقق گردد؛ باید به عالی‌ترین وجه بهاء و شرف باشد؛ البته تا آنجا که در عالم کون، امکان داشته باشد.

در ادامه‌ی این استدلال، ملاصدرا به تنزل مراتب هستی از ذات مبدأ به عالم عقول و سپس به عالم نفوس تا برسد به انقص موجودات که عالم ماده است و قوس نزول بدان ختم می‌شود؛ اشاره می‌کند و می‌فرماید این تنزل، همان تدبیر امر در آیه‌ی شریفه است که می‌فرماید: «یدبر الامر من السماء الی الارض». (سجده ، ۵) همچنین این فیض تنزل یافته با امتزاج و حرکات و استکمالات، ترقی می‌کند تا به قرب مبدأ و معبود برسد. «الیه یصعد الکلم الطیب» (فاطر ، ۱۰) اینچنین است که دایره‌ی وجود از مبدأ خیر،

آغاز و به غایت خیر متصل می‌شود. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۰۷)

چنانکه ملاحظه می‌گردد استدلال سوم که فعل واجب را ناشی از حاق ذات واجب و به تبع موافق با آن در حسن و جمال می‌داند؛ به نوعی در ارتباط با بحث تطابق است. وجود علمی اشیاء قبل از وجود کونی شان و لزوم مطابقت وجود سافل کونی با وجود عالی علمی الهی، بیانگر اصل تطابق عوالم است.

استدلال پنجم: ملاصدرا برهانی لمی بر اشرف و احسن بودن

تمام مراتب وجودی اقامه می‌کند. وی در این برهان، سه بحث را دنبال می‌کند. بحث اول این است که مراتب عالی وجود در قوس نزول، درغایت حسن و شرفند. او این مسأله را با دو اصل اثبات می‌کند: ۱. منحصر به فرد بودن انواع در مراتب ابداعی وجود به دلیل بری بودن از مناط کثرت، یعنی ماده؛ ۲. بحث دوم، قاعده‌ی امکان اشرف است که طبق آن فیض وجود ابتدایه مراتب عالی و اشرف وجود یعنی عقول می‌رسد و سپس در مراتب مادون جریان می‌یابد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص: ۱۱۱)

بحث دوم، احسن بودن نظام کائنات در قوس صعود است. دلیل بر این امر این است که امور واقع در این عالم، ظل نظام عالم قضاء الهی یعنی عالم عقول است که مصدر این نظام است و وجودی تام و تمام است؛ در نتیجه معالیل آن که در حقیقت رشحات و اظلال آنهایند؛ در غایت خیر و حسن و کمالند. (همان، ص ۱۱۲).

بحث سوم، این است که مجموع عالم، من حیث المجموع دارای افضل و اکمل نظام است. چرا که مجموع عالم، شخص واحدی است که دارای وحدت طبیعی است. این وحدت از نوع وحدت اشیاء متغایری که در کنار هم جمع و به یکدیگر منضم شده اند، مثل وحدت یک ساختمان یا لشکر، نیست. بلکه بین اجزاء این عالم، ارتباط ذاتی است و آن به دلیل رابطه‌ی علیت بین این اجزاء می‌باشد. از سوی دیگر می‌دانیم که رابطه‌ی علیت، امری است که در ذات علت و

معلول جریان دارد. چرا که علت، تمام معلول و اشرف، تمام موجود مادون خویش است و حضور شی در جایگاه تام و تمامش اولی است به حضورش نزد خودش. بنابر این عالم دارای وحدت ذاتی است.

از دیگر سو چنانکه ارسطو نیز تصریح می‌کند عالم، حیوان واحدی است که مطلب ماهو و مطلب لم هو در آن واحد است. یعنی حقیقتش عین غایتش است. پس هر کس به غایت عالم، عالم باشد به حقیقت آن عالم است و بالعکس. اما عرفا نیز قائلند علت غایی عالم که آن را انسان کبیر می‌نامند؛ حق تعالی است. حال اگر غایت عالم، همان حقیقت عالم باشد؛ حقیقت عالم، وجود حق تعالی است. پس حق تعالی مقوم ماهیت و مقرر ذات و حقیقت عالم است. حق تعالی در نهایت کمال و حسن و شرف است؛ بنابراین مجموع عالم که حقیقتش همان حقیقت حق جل و اعلی است؛ در نهایت کمال و حسن و شرف می‌باشد. (همان، صص ۱۱۴ و ۱۱۳)

ملاحظه می‌شود که روح حاکم بر پنجمین استدلال ملاصدرا بر نظام احسن، تطابق عوالم است. چنانکه گذشت در بحث دوم این استدلال، باردیگر بر رابطه‌ی سایه وار مراتب مادون هستی، نسبت به مراتب بالا استناد می‌شود و از این رابطه‌ی سایه گونه که تعبیر دیگری از تطابق عوالم است؛ خیریت نظام عالم مطابق خیر اعلی نتیجه گرفته می‌شود. در بحث سوم این استدلال نیز تصویری که از رابطه‌ی علیت بین مبدأ و عالم ارائه می‌شود؛ اینکه علت، تمام معلول خویش است و وجود اشرف، تمام موجود مادون خویش است و حضور شی در جایگاه تام و تمامش یعنی در وجود علتش، به حضورش نزد خودش یعنی در مرتبه‌ی مادون و وجود خاص خویش اولی است؛ مطالبی است که در چهارچوب نظریه‌ی تطابق عوالم، معنا پیدا می‌کند.

جمع بندی

۱. ملاصدرا مراتب هستی را در عوالم چهارگانه ی اله ، عقل ، مثال و ماده طبقه بندی می کند .

۲. تطابق عوالم به معنای عینیت مراتب هستی در حقیقت وجود و اختلافشان به شدت و ضعف وجودی یا ظهوری می باشد .
 ۳. براساس اصل صرافت ، بساطت و تشکیک وجود و وجود رابط معلول و ارجاع علیت به تشآن ، تطابق عوالم وجود یا ظهور اثبات می شود .
 ۴. نظریه ی نظام احسن بیانگر آنست که این عالم ، بهترین نمونه ی ممکن این مرتبه از هستی است که می توانسته تحقق یابد .
 ۵. ملاصدرا علم عنایی مشاء را که با آن بر نظام احسن استدلال نموده است را طبق اصل تطابق عوالم ، باز تقریر نموده است .
 ۶. روح حاکم بر ادله ی ملاصدرا بر اثبات نظام احسن ، اصل تطابق عوالم است به این شکل که از آنجا که عالم مادون رقیقه و تنزل یافته ی عوالم بالا و عالم اله است و از آنجا که عالم اله ، سراسر خیر و نیکویی است ؛ عالم ماده که سایه ، تصویر و انعکاس عالم اله است نمی تواند غیر از آن باشد .
- بنابراین نظریه ی «نظام احسن» در حکمت متعالیه با استفاده از اصل «تطابق عوالم» اثبات می شود .

فهرست منابع :

۱. آشتیانی ، جلال الدین ، ۱۳۰۶ ، شرح مقدمه ی قیصری بر فصوص الحکم ، قم : بوستان کتاب ، ۱۳۷۵ .
۲. _____ ، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم ، ۱۳۷۸ .
۳. _____ ، شرح بر زاد المسافر ، دفتر تبلیغات اسلامی ، قم : ۱۳۸۱ .
۴. ابن سینا ، الشفاء (المنطق) ، به تحقیق سعید زاید و... ، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی ، قم ، ۱۴۰۴ .
۵. _____ ، التعليقات، تحقیق از عبد الرحمن بدوی، ناشر: مکتبه الاعلام الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۴ ه ق
۶. _____ ، الاشارات و التنبيهات، نشر البلاغة، قم: ۱۳۷۵ ه ش.

۷. _____ ، النجاة من الغرق في بحر الضلالت، انتشارات دانشگاه تهران : تهران، ۱۳۷۹ ه ش.
۸. اردکانی، احمد احمد بن محمد حسینی ۱۲۴۲ ق ، مرآت الاکوان (تحریر شرح هدایه ملا صدرا شیرازی)، مقدمه و تصحیح و تعلیق از عبد الله نورانی ، چاپ اول ، ناشر: میراث مکتوب ، تهران ، ۱۳۷۵ .
۹. ابراهیمی دینانی، غلام حسین ، قواعد کلی فلسفی، ج ۱ و ۲، ص ۳۵۴ ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۶۶ .
۱۰. بهمنیار، التحصیل ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران : ۱۳۷۵ .
۱۱. پارسا ، خواجه محمد ، شرح فصوص الحکم ، تصحیح: دکتر جلیل مسگر نژاد ، چاپ اول ، ناشر: مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، ۱۳۶۶ .
۱۲. جوادی آملی ، عبدالله ، عین نضاح (تحریر تمهید القواعد) ، محقق حمید پارسا نیا ، چاپ اول ، قم : اسراء ، ۱۳۸۷
۱۳. حسن زاده آملی ، حسن ، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران : ۱۳۷۸ ه ش .
۱۴. خمینی ، روح الله ، مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية ، چاپ سوم ، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران ، ۱۳۷۶ ه ش .
۱۵. دوانی ، ۹۰۸ ق ، شواکل الحور فی شرح هیاکل النور، چاپ اول ، ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد ، ۱۴۱۱ ه ق
۱۶. _____ ، شرح المنظومة ، ۱۲۸۸ ق ، ملاحظات : تصحیح و تعلیق از آیت الله حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم از مسعود طالبی چاپ: اول ، نشر ناب ، تهران ، ۱۳۶۹ - ۱۳۷۹ ه ش .
۱۷. سجادی ، سید جعفر ، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا ، چاپ اول ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۹ ه ش .
۱۸. سهروردی ، شهاب الدین ، ۵۸۷ ق ، مجموعه مصنفات شیخ اشراق ، به تصحیح و مقدمه هانری کربن و سید حسین نصر و نجفقلی حبیب ، چاپ: دوم ، ناشر : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۵ .
۱۹. صدر المتألهین شیرازی ، ۱۰۵۰ ق ، المبدأ و المعاد ، به تصحیح سید جلال الدین آشتیانی ، تهران ، انجمن حکمت و فلسفه ایران ، ۱۳۵۴ .
۲۰. _____ ، مفاتیح الغیب ، مقدمه و تصحیح از محمد خواجهی ، چاپ اول ، تهران ، مؤسسه تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۳ .
۲۱. _____ ، اسرار الآیات ، مقدمه و تصحیح از محمد خواجهی ، تهران ، انجمن حکمت و فلسفه ، ۱۳۶۰ .

۲۲. _____ ، الحكمة المتعالیه فی الاسفار العقلية الاربعه ، چاپ سوم ، داراحیاء التراث ، بیروت ، ۱۹۸۱ .
۲۳. _____ ، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية ، تصحیح و تعلیق از سید جلال الدین آشتیانی ، المركز الجامعی للنشر ، مشهد ، ۱۳۶۰ ه ش .
۲۴. _____ ، المشاعر ، به اهتمام هانری کربن ، چاپ دوم ، کتابخانه طهوری ، تهران ، ۱۳۶۳ ه ش .
۲۵. _____ ، مجموعة الرسائل التسعة : تهران : ۱۳۰۲ ه ش .
۲۶. _____ ، شرح الهدایة الاثیریة ، مؤسسة التاريخ العربی ، بیروت تصحیح از محمد مصطفی فولادکار ، ۱۴۲۲ ه ق .
۲۷. طباطبایی ، سید محمد حسین ، نهاية الحكمة ، تحقیق و تعلیق : الشیخ علی عباس الزارعی السبزواری ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۰۰ ق .
۲۸. طوسی ، نصیر الدین، ۶۷۲ ق ف ، شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات، چاپ اول، نشر البلاغة، قم، ۱۳۷۵ .
۲۹. قیصری ، شرح فصوص ، به کوشش : استاد سید جلال الدین آشتیانی ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۵ ه ش .
۳۰. عبودیت ، عبدالرسول ، درآمدی به نظام حکمت صدرایی ، تهران : سمت ، قم : مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ، ۱۳۸۸ .
۳۱. مایر فردریک ، تاریخ اندیشه های تربیتی ، م . علی اصغر فیاض ، تهران ، سمت ، ۱۳۷۴ .
۳۲. مطهری ، مرتضی ، مجموعه آثار، قم ، انتشارات صدرا ، ۱۳۷۴ .

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی